

مکاشفہ عیسیٰ مسیح - شمارہ چہارم

مہر ہفتہ

Jeff Pippenger

2023-11-11

فرشتوں کی آزمائشی جنگ، جو مکاشفہ باب بارہ میں مذکور تیسرے آسمان میں لوسیفر سے شروع ہوئی، انسانوں اور فرشتوں کی اس آزمائشی جنگ کی تمثیل ہے جو پہلے آسمان میں اختتام پذیر ہوتی ہے۔ جب شیطان اور اُس کے فرشتے تیسرے آسمان سے نکال دیے گئے، تو شیطان نے باغ عدن میں ایک نئی محاذ جنگ کھول دی۔ جیسے تیسرے آسمان کی جنگ میں لوسیفر کے ساتھ ہوا، ویسے ہی خدا نے بنی نوع انسان کے لیے بھی آزمائش کی ایک مدت مقرر کی۔ پہلے آسمان کی وہ جنگ، جو عنقریب آنے والے اتوار کے قانون پر پوری شدت کے ساتھ شروع ہوتی ہے، بنی نوع انسان کے لیے مہلت آزمائش کے اختتام کی نمائندگی کرتی ہے۔

در فصل‌های دوازدهم و سیزدهم مکاشفہ، اژدہا، وحش و نبی کذاب به تصویر کشیده شده‌اند. به طور معمول، این سه قدرت چنین فهمیده می‌شوند که عمدتاً نمایانگر تاریخ گذشته همان سه قدرت‌اند؛ اما به یوحنا گفته شد که «آنچه را که بعد از این واقع خواهد شد» بنویسد، و تمام کتاب مکاشفہ از «ایام آخر» سخن می‌گوید؛ از این رو ما اصل کتاب مقدس این را به کار می‌بریم که انتہا به وسیلہ ابتدا به تصویر کشیده می‌شود، و نمادہای مکاشفہ را به عنوان حقیقتی مربوط به زمان حاضر، نہ گذشته، به کار می‌بریم.

شیطان ہم در جنگی کہ در آسمان سوم آغاز کرد، و ہم در نخستین نبردی کہ در باغ عدن بر انسان آورد، چنین شناخته شدہ است کہ برای رساندن ارتباطات فاسد خود، بہ منظور پیش بردن جنگ خویش، از «ہیپنوتیزم» بہرہ بردہ است.

«شیطان نخستین آدم را در عدن وسوسہ کرد، و آدم با دشمن بہ چون و چرا پرداخت، و بدین سان برتری را بہ او واگذاشت. شیطان قدرت ہیپنوتیزم خود را بر آدم و حوا بہ کار برد، و ہمین قدرت را کوشید بر مسیح نیز اعمال کند. اما پس از آنکہ کلام کتاب مقدس نقل شد، شیطان دریافت کہ هیچ فرصتی برای پیروزی ندارد.»

«مردان و زنان نباید بہ مطالعہ فن چگونگی بہ اسارت درآوردن ذہن‌های کسانی بہرہ‌راند کہ با ایشان معاشرت دارند. این همان علمی است کہ شیطان تعلیم می‌دہد. ما باید در برابر ہر چیزی از این قبیل مقاومت کنیم. ما نباید با مسمریسم و ہیپنوتیزم—علم آن کسی کہ مقام نخستین خود را از دست داد و از دربارہای آسمانی راندہ شد—سر و کار داشتہ باشیم.» Mind, Character and Personality, 713

”وہ سائنس جو شیطان سکھاتا ہے“ عالمگیر سوداگران نے کمال تک پہنچا دی ہے، اور ”آخری دنوں“ میں ایسے ”انفارمیشن سپر ہائی وے“ کے ذریعے عملی جامہ پہنایا جا رہا ہے۔ شیطان جھوٹ کا باپ ہے، اور ذرائع ابلاغ کے عظیم ادارے نہ صرف باطل کو فروغ دیتے ہیں بلکہ حق کو بھی چھانٹ کر خارج کر دیتے ہیں، وہ اُن لوگوں کی نگرانی کرتے ہیں جنہیں وہ بدعتی سمجھتے ہیں، اور وہ کرۂ ارض کی تاریخ میں اب تک رائج ہونے والی سب سے زیادہ ترقی یافتہ صورت تنویم کا استعمال کرتے ہیں۔ جو جنگ تیسرے آسمان میں شروع ہوئی، وہ شیطان کی جنگی حکمت عملی کی اس صفت کو اس لیے نمایاں کرتی ہے تاکہ جب پہلے آسمان کی جنگ شروع ہو تو اُس وقت زندہ وفادار لوگ پیشگی علم کے ذریعے پیشگی خبردار رہیں۔ جب ہم یہ سمجھتے ہیں کہ ورلڈ واڈ ویب اور ”انفارمیشن سپر ہائی وے“ کا مرکز کنٹرول

ریاستهائے متحدہ امریکہ میں منظم اور زیر انتظام ہے، تو ہمیں اس بات کا مفہوم نظر آتا ہے کہ ریاستهائے متحدہ امریکہ آسمان سے آگ نازل کرتا ہے اور تمام دنیا کو دھوکا دیتا ہے۔ مکاشفہ کی کتاب میں "آگ" ایک پیغام کی نمائندگی کرتی ہے۔

نمادگرایی مکاشفہ باب سیزده، و آیه سیزده، از نبرد کوه کرمل برگرفته شده است؛ جایی که انبیای بعل و انبیای پیشه‌ها نتوانستند آتش را از آسمان فرو آورند تا ثابت کنند که بعل و عشتاروت خدایان حقیقی‌اند. بعل، به عنوان معبودی مذکر، و عشتاروت، به عنوان معبودی مؤنث، نمودار تصویر وحش هستند؛ یعنی آن آمیزش نامقدس کلیسا و دولت. آنان انبیای ایزابل بودند، که در رابطه‌ای نامقدس با اخاب قرار داشت. آن دو شاهد نبوی تصویر وحش در داستان کوه کرمل، نقش ایالات متحده را نخست در پدید آوردن تصویری از نظام پاپی در ایالات متحده، و پس از آن در جهان، مشخص می‌سازند. «آتش» در کرمل قرار بود گواه این باشد که خدای حقیقی واقعاً کیست. این آتش، مکاشفہ‌ای از آسمان را که خدای حقیقی را معرفی می‌کرد، نمایندگی می‌نمود؛ و همین مسئله نیز هنگامی وجود دارد که ایالات متحده آتش را از آسمان فرو می‌آورد.

در کتاب اشعیا، خدایی که پایان را از آغاز اعلام می‌کند، هم به همان صحنه کوه کرمل قدیم خطاب می‌کند، و هم به صحنه نبوی‌ای که آنگاه نمایان می‌شود که ایالات متحده آتش را از آسمان فرو می‌آورد.

عرض دعوی خود را بکنید، خداوند می‌فرماید؛ دلایل استوار خویش را پیش آورید، پادشاه یعقوب می‌فرماید. بگذارید آنها را پیش آورند و به ما بنمایانند که چه واقع خواهد شد؛ چیزهای نخستین را بیان کنند که چه بوده‌اند، تا در آنها تأمل کنیم و فرجام آنها را بدانیم؛ یا امور آینده را به ما خبر دهند. چیزهایی را که پس از این خواهد آمد، نشان دهید، تا بدانیم که شما خدایان هستید؛ آری، نیکویی کنید یا بدی کنید، تا هراسان شویم و آن را با هم بنگریم. اینک شما هیچ هستید، و عمل شما از نیستی است؛ هر که شما را برگزیند، مکروه است. من کسی را از شمال برانگیخته‌ام، و او خواهد آمد؛ از محل طلوع آفتاب، او نام مرا خواهد خواند؛ و بر شاهزادگان چون بر گل نرم خواهد آمد، و همچنان که کوزه گر گل را پیمال می‌کند. کیست که از ابتدا اعلام کرده باشد تا بدانیم؟ و از پیش خبر داده باشد تا بگوییم: «او عادل است»؟ آری، هیچ‌کس نیست که نشان دهد؛ آری، هیچ‌کس نیست که اعلام کند؛ آری، هیچ‌کس نیست که سخنان شما را بشنود. نخستین کس به صهیون خواهد گفت: «اینک، اینهايند!» و به اورشلیم کسی را خواهیم داد که بشارت آورد. اشعیا ۲۷-۳۴.

در جنگ آسمان نخست که با قانون یکشنبه در شرف وقوع آغاز می‌شود، به ایالات متحده، و نیز خود شیطان، اجازه داده خواهد شد که «دعوی خود را «اقامه» کنند، و آنان آتشی از آسمان فرو خواهند خواند تا بکوشند ثابت کنند که خدای ایزابل خدای حقیقی است. جهان وادار خواهد شد که نشان روز عبادت آن خدا را بپذیرد. آن آتشی که از آسمان، از طریق «بزرگراه فوق اطلاعات» به تمامی نوع بشر فرو آورده می‌شود، عملی از «نیستی» است، و آن که پیام منتقل شده از رهگذر آن وسیله را برمی‌گزیند، «مکروه» است.

در آن جنگ، صد و چهل و چهار هزار و سپس آن جماعت عظیم، شاهدان خدا در مجادله بر سر این که خدای حقیقی کیست خواهند بود. پیام‌هایی که از هر دو سوی جنگ ابلاغ می‌شوند، به صورت «آتش» نمایش داده شده‌اند. همه ملت‌ها گرد آورده خواهند شد تا معلوم شود خدای حقیقی کیست، و دو طبقه شاهد وجود خواهد داشت تا «حقیقت» را ثابت کنند.

بگذار همه امت‌ها با هم گرد آیند، و قوم‌ها فراهم شوند؛ کدامیک از ایشان می‌تواند این را اعلام کند و امور پیشین را به ما بنمایاند؟ شاهدان خود را حاضر کنند تا تبرئه شوند؛ یا بشنوند و بگویند:

«این حقیقت است.» خداوند می‌فرماید: «شما شاهدان من هستید، و بندہ من کہ او را برگزیده‌ام، تا بدانید و بہ من ایمان آورید و بفہمید کہ من او ہستم۔ پیش از من خدایی مصور نشد، و پس از من نیز نخواہد شد۔ من، آری من، خداوند ہستم، و غیر از من نجات دہندہ‌ای نیست۔ من اعلام کردہ‌ام، و نجات دادہ‌ام، و آشکار ساختہ‌ام، ہنگامی کہ در میان شما خدای بیگانہ‌ای نبود؛ پس شما شاهدان من هستید، خداوند می‌فرماید، کہ من خدا ہستم۔» اشعیا ۴۳:۹-۱۲۔

تجلی نہایی کویہ کرمل، برای شیطان شہادانی دارد و برای خدا نیز شہادانی۔ این نمودار برای اثبات این است کہ خدای حقیقی کیست؛ اما شہادان امین خدا قرار است بر چہ چیزی شہادت دہند؟

بدین سان خداوند، پادشاہ اسرائیل، و فادی او، یہوہ صباوت، می‌فرماید: من اول ہستم و من آخر ہستم، و غیر از من خدایی نیست۔ و کیست کہ همچون من ندا دہد، و آن را اعلام کند، و برای من بہ ترتیب برپا سازد، از آن ہنگام کہ قوم باستانی را برپا کردم؟ و چیزهایی را کہ می‌آیند و واقع خواہند شد، بگذارید بہ ایشان نشان دہند۔ مترسید و ہراسان مباحثید؛ آیا از همان زمان بہ تو خبر ندادم و اعلام نکردم؟ شما خود شہادان من هستید۔ آیا خدایی غیر از من ہست؟ آری، صخرہ‌ای نیست؛ هیچیک را نمی‌شناسم۔ آنان کہ تمثالی تراشیدہ می‌سازند، جملگی باطل‌اند، و چیزهای دلپذیرشان سودی نخواہد بخشید؛ و ایشان شہادان خود خویش‌اند؛ نہ می‌بینند و نہ می‌دانند، تا شرمسار شوند۔ اشعیا ۴۴:۶-۹۔

وفاداران در رویارویی نہایی کویہ کرمل باید بر این حقیقت شہادت دہند کہ خدا اول و آخر است۔ او همان خدایی است کہ «قوم باستان را برگزید»، تا «امور آیندہ» را آشکار سازد۔ شہادان خدا باید مکاشفہ عیسی مسیح را کہ اندکی پیش از نبرد نہایی کویہ کرمل گشودہ می‌شود، ارائه کنند۔

پیام کویہ کرمل شیطان بہ صورت آتشی کہ از آسمان فرو می‌آید، بہ تصویر کشیدہ شدہ است۔

او معجزات عظیم بہ جا می‌آورد، چنان کہ آتش را در برابر دیدگان مردمان از آسمان بر زمین فرومی‌آورد، مکاشفہ ۱۳:۱۳۔

آیہ، معجزاتی را توصیف می‌کند کہ ایالات متحدہ از طریق علم نوین ہیپنوتیزم، کہ بہ وسیلہ «بزرگراہ فوق اطلاعاتی» بہ نوع بشر منتقل می‌شود، بہ انجام می‌رساند۔ اما این آیہ همچنین بہ ظہور خود شیطان اشارہ دارد، ہنگامی کہ او خود را بہ جای مسیح وانمود می‌کند۔

فرشتہ‌ای کہ در اعلام پیام فرشتہ سوم با او متحد می‌شود، باید تمام زمین را با جلال خویش روشن سازد۔ در اینجا عملی با گسترہ‌ای جهانی و قدرتی بی‌سابقہ پیشگوئی شدہ است۔ نہضت ظہور در سال‌های ۱۸۴۰-۱۸۴۴ تجلی باشکوہی از قدرت خدا بود؛ پیام فرشتہ اول بہ ہر ایستگاہ بشارتی در جہان رساندہ شد، و در برخی کشورها عظیم‌ترین علاقہ دینی پدید آمد کہ از زمان اصلاح دینی سدہ شانزدہم تاکنون در هیچ سرزمینی دیدہ نشدہ بود؛ اما اینها نیز بہ وسیلہ آن جنبش نیرومند تحت آخرین ہشدار فرشتہ سوم پشت سر گذاشتہ خواہد شد۔

”یہ کام یوم پینتیکوست کے مانند ہوگا۔ جس طرح ”پہلی بارش“ انجیل کے آغاز پر روح القدس کے انڈیلے جانے میں دی گئی، تاکہ اس قیمتی بیج کے اگنے کا سبب ہو، اسی طرح ”پچھلی بارش“ اس کے اختتام پر فصل کے پکنے کے لیے دی جائے گی۔ ”تب ہم جانیں گے، اگر ہم خداوند کو جاننے کے لیے پیچھے لگے رہیں: اُس کا ظہور صبح کی مانند تیار ہے؛ اور وہ ہم پر بارش کی مانند، یعنی پچھلی اور پہلی بارش کی مانند، زمین پر آئے گا۔“ پوسیع 6:3۔ ”پس اے صیون کے فرزندو، شادمان ہو اور خداوند اپنے خدا میں خوشی کرو؛ کیونکہ اُس نے تمہیں پہلی بارش اعتدال کے ساتھ دی ہے، اور وہ تمہارے لیے بارش برسائے گا، یعنی پہلی بارش اور پچھلی بارش۔“ یوایل 2:23۔ ”آخری دنوں میں، خدا فرماتا ہے، میں اپنے روح میں سے ہر بشر پر انڈیلوں گا۔“ ”اور یوں ہوگا کہ جو کوئی خداوند کا نام لے گا، نجات پائے گا۔“ اعمال 2:17، 21۔

«کار بزرگ انجیل نباید با جلوه‌ای کمتر از قدرت خدا نسبت به آنچه آغاز آن را مشخص ساخت، به پایان برسد. نبوت‌هایی که در ریزش باران اول در آغاز انجیل تحقق یافتند، بار دیگر باید در باران آخر، در پایان آن، تحقق یابند. اینک همان «ایام تازگی» است که رسول پطرس بدان چشم دوخته بود، آنگاه که گفت: «پس توبه کنید و بازگشت نمایید تا گناهان شما محو گردد، هنگامی که ایام تازگی از حضور خداوند فرا رسد؛ و او عیسی را خواهد فرستاد.» اعمال 3:19، 20.»

«خادمان خدا، با چهره‌هایی افروخته و درخشان از تقدیس مقدّس، از جایی به جایی دیگر شتاب خواهند کرد تا پیام آسمان را اعلام کنند. به وسیله هزاران صدا، در سراسر زمین، این هشدار داده خواهد شد. معجزات به ظهور خواهد رسید، بیماران شفا خواهند یافت، و آیات و عجایب در پی ایمانداران خواهد آمد. شیطان نیز عمل می‌کند، با معجزات دروغین، حتی آتشی را از آسمان در برابر دیدگان مردم فرو می‌آورد. مکاشفه 13:13. بدین‌سان ساکنان زمین وادار خواهند شد تا موضع خود را اختیار کنند.» نبرد عظیم، 611، 612.

وقتی به زمانی برسیم که شیطان آتش را از آسمان فرو می‌خواند، «ساکنان زمین واداشته خواهند شد که موضع خود را بگیرند.» در آن زمان، شاهدان خدا «با شتاب از جایی به جای دیگر خواهند رفت تا پیام آسمان را اعلام کنند. به وسیله هزاران صدا، در سراسر زمین، این هشدار داده خواهد شد.» کاری که شاهدان خدا انجام می‌دهند «مانند کار روز پنطیکاست خواهد بود»، هنگامی که «فرشته‌ای که در اعلام پیام فرشته سوم مشارکت دارد، باید تمامی زمین را با جلال خود روشن سازد.» در پنطیکاست، آتش نماد ریزش روح القدس بود، و آتش همچنین نماد ریزش روح ناپاک شیطان نیز هست.

پس از آن که یوحنا در فصل هفتم مکاشفه، آن یکصد و چهل و چهار هزار و جماعت عظیم را به تصویر می‌کشد، گشوده شدن مهر هفتم و نهایی را مشخص می‌سازد. مهر نهایی یا هفتم، نمایانگر گشوده شدن مکاشفه عیسی مسیح است، و یگانه نبوتی در کتاب مکاشفه که قرار بود درست پیش از بسته شدن زمان آزمون گشوده شود. مهر هفتم، هفت رعد و مکاشفه عیسی مسیح، همگی نمادهای یک حقیقت واحدند، حقیقتی که درست پیش از بسته شدن زمان آزمون آشکار می‌شود. مکاشفه عیسی مسیح بر شخصیت و قدرت خلاقه مسیح به عنوان الفا و امگا تأکید می‌ورزد. هفت رعد، تاریخی را مشخص می‌کنند که در آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر مهر می‌شوند، و مهر هفتم ریزش روح القدس را در طی آن تاریخ مشخص می‌سازد که در آن دو شاهد برخیزانیده می‌شوند و قدرت خلاقه «حقیقت» خدا را دریافت می‌کنند، حقیقتی که از پدر، به پسر، به جبرئیل، به نبی، به کسانی منتقل می‌شود که برمی‌گزینند آن را بخوانند، بشنوند و قدرت نهفته در آن را نگاه دارند.

اور چون مهر هفتم را گشود، در آسمان قریب به نیم ساعت سکوتی پدید آمد. و آن هفت فرشته را که در حضور خدا ایستاده بودند دیدم، و به ایشان هفت کرنا داده شد. و فرشته‌ای دیگر آمد و بر مذبح ایستاد، در حالی که مجمره‌ای زرین داشت؛ و بخور بسیار بدو داده شد تا آن را با دعا‌های همه مقدسان بر مذبح زرین که پیش تخت بود تقدیم کند. و دود بخور، که با دعا‌های مقدسان بود، از دست فرشته به حضور خدا بالا رفت. و فرشته مجمره را گرفت و آن را از آتش مذبح پر ساخت و بر زمین افکند؛ و صداها و رعداها و برق‌ها و زلزله‌ای پدید آمد. مکاشفه 8:1-5

در آیات، «هفت فرشته» با «هفت کرنا» «در حضور خدا ایستاده بودند». آن هفت فرشته کرنا، به درستی و به طور معمول چنین فهمیده شده‌اند که داوری‌های خدا را بر ضد روم به سبب تحمیل پرستش یکشنبه نمایندگی می‌کنند. روم بت‌پرست، در زمان کنستانتین، نخستین قانون یکشنبه را در سال ۳۲۱ وضع کرد، و تا سال ۳۳۰، امپراتوری او به شرق و غرب تقسیم شد. از آن زمان، چهار کرنا نخست آغاز به نواخته شدن کردند، و آنان نمایانگر نیروهای تاریخی‌ای بودند که بر ضد امپراتوری او به کار گرفته شدند، و تا سال ۴۷۶، شهر روم را چنان بر جای گذاشتند که دیگر هرگز حاکم رومی دیگری بر

آن شهر فرمان نراند؛ شهری که نماد قوت و جلال روم بود. هنگامی که دستگاه پاپی در شورای اورلئان در سال ۵۳۸ قانون یکشنبه را تصویب کرد، محمد برانگیخته شد تا داوری را بر ضد کلیسای روم به اجرا آورد، چنان که به وسیله کرناهای پنجم و ششم، که نخستین و دومین وای نیز بودند، و نمایانگر اسلام بودند، نشان داده شده است. هرچند فهم سنتی آن کرناها درست است، با این حال در آن بخشی که در مکاشفه ۹ عرضه شده اند، به عنوان «بلاها» تعریف شده اند.

اور باقی آدمیانی که به وسیله این بلاها کشته نشدند، باز هم از اعمال دست‌های خود توبه نکردند، تا دیوها و بت‌های زرین و سیمین و مفرغین و سنگی و چوبی را که نه می‌توانند دید، نه شنید، و نه راه رفت، نپرستند؛ و نیز از قتل‌های خود، و از جادوگری‌های خود، و از زناکاری خود، و از دزدی‌های خود توبه نکردند. مکاشفه ۹:۲۰، ۲۱

تحقق کامل و نهایی هفت شیپور، همان هفت بلای آخر مذکور در باب شانزدهم مکاشفه است. حتی بررسی‌ای اجمالی از ویژگی‌های نبوی هفت شیپور باب نهم مکاشفه نشان می‌دهد که آن‌ها دارای ویژگی‌های موازی با هفت بلای آخر هستند. گشوده شدن مهر هفتم در آن برهه از تاریخ رخ می‌دهد که زمان مهلت آزمایش در آستانه پایان است و غضب خدا، آن‌گونه که در هفت بلای آخر نمود یافته است، در شرف فرو ریخته شدن است.

چون مسیح، همچون شیر سبط یهودا، «مهر هفتم را گشود»، فرشته‌ای آمد و بر مذبح ایستاد، در حالی که مجمره‌ای زرین در دست داشت؛ و بخور بسیار به او داده شد تا آن را با دعا‌های همه مقدسان بر مذبح زرین که در برابر تخت بود، تقدیم کند. «و دود بخور، که با دعا‌های مقدسان برمی‌آمد، از دست فرشته به حضور خدا بالا رفت.» ریزش روح‌القدس در روز پنتیکاست مسبوق به دعای متحد ایماندارانی بود که در اورشلیم گرد آمده بودند.

«احیای دینداری راستین در میان ما، بزرگ‌ترین و فوری‌ترین همه نیازهای ماست. جست‌وجوی این امر باید نخستین کار ما باشد. باید کوششی جدی برای به دست آوردن برکت خداوند به عمل آید؛ نه از آن‌رو که خدا مایل نیست برکت خویش را بر ما عطا کند، بلکه زیرا ما برای دریافت آن آماده نیستیم. پدر آسمانی ما بیش از آن که والدین زمینی مایل باشند هدایای نیکو به فرزندان خود بدهند، مشتاق است روح‌القدس خود را به آنان که از او درخواست می‌کنند عطا فرماید. اما وظیفه ماست که با اعتراف، فروتنی، توبه، و دعای جدی، شرایطی را که خدا بر پایه آن‌ها وعده داده است برکت خود را به ما عطا فرماید، برآورده سازیم. احیا را تنها در پاسخ به دعا باید انتظار داشت.» Selected Messages، کتاب ۱، ۱۲۱.

افتتاح مهر هفتم یک لاکه چوالیس هزار که مهر کی جانے کی نشان دہی کرتا ہے۔ یہ مہر کرنا دُعا سے شروع ہوتا ہے، مگر محض دعا کی سرگرمی سے نہیں، بلکہ ایک مخصوص دعا سے۔ اس مخصوص دعا کی نشان دہی کتاب دانی ایل میں کی گئی ہے، جو یقیناً مکاشفہ کی کتاب بھی ہے۔

یوحنا در مکاشفه و دانیال در کتاب خویش، آن یکصد و چهل و چهار هزار تن را در «ایام آخر» به تصویر می‌کشند. در «ایام آخر»، آنان که در طی نبرد آسمان اول باید شاهدان خدا باشند، بر نبوتی شهادت خواهند داد که درست پیش از بسته شدن مهلت توبه گشوده می‌شود. این امر در آیاتی که اکنون در نظر داریم، به صورت مهر هفتم بازنموده شده است. دعا‌هایی که با فرشته‌ای که «مجرم زرین» دارد بالا می‌آیند، به وسیله دعای دانیال در فصل نهم کتاب او بازنموده شده اند. آن دعا، دعایی خاص است که موسی آن را در پیوند با نبوت «هفت زمان» ترسیم کرده بود. آن دعا دوجہی است، و دانیال بافت دعا دوجہی خود را در قالب «لعنت» و «سوگند» موسی بیان می‌کند. کتاب‌های دانیال و مکاشفه یک کتاب اند، و همان خطوط نبوت که در کتاب دانیال آمده اند، در کتاب مکاشفه از سر گرفته می‌شوند.

دعایی که موجب افاضه آتش مقدّس در حرکتِ فرشتهٔ مقتدرِ مکاشفهٔ هجده می‌شود، دعای «هفت زمان» دانیال است. این همان دعایی است که فرشتهٔ جبرائیل را از آسمان به زیر آورد تا نبوت‌ها را برای دانیال تبیین کند. در پایان دعای او، که بیست آیهٔ نخست دانیال ٥ را دربر می‌گیرد، جبرائیل در حدود وقت قربانی شامگاهی فرود آمد. دعاهایی که صعود می‌کنند و آن فرشته با مجمر زرین دریافت می‌دارد، دعاهایی هستند که هنگام غروب آفتاب، در شامگاه «ایام آخر»، به بالا صعود می‌کنند.

اور جبکہ میں بول رہا تھا، دعا کر رہا تھا، اور اپنے گناہ اور اپنی قوم اسرائیل کے گناہ کا اقرار کر رہا تھا، اور اپنے خداوند اپنے خدا کے حضور اپنے خدا کے مقدس پہاڑ کے لیے اپنی التجا پیش کر رہا تھا؛ ہاں، جبکہ میں دعا میں بول ہی رہا تھا، تب وہ مرد جبرائیل، جسے میں نے ابتدا کی روپا میں دیکھا تھا، تیزی سے اڑتے ہوئے آیا اور شام کی قربانی کے وقت کے قریب مجھے چھو گیا۔ دانی ایل ٩:٢٠، ٢١.

دعای دانیال اقراری بود نه تنها به گناہان خود او، بلکه همچنین به گناہان قوم خدا. دعای او الگوی دعای توبہ‌ای است که با «هفت زمان» لایوان بیست‌وشش مرتبط است.

و آنان که از شما باقی بمانند، در سرزمین‌های دشمنان خویش به سبب گناه خود پژمرده خواهند شد؛ و نیز به سبب گناہان پدرانشان، با ایشان پژمرده خواهند شد. اگر به گناه خود و گناه پدران خویش، همراه با خیانتی که به من ورزیده‌اند، اقرار کنند، و نیز اعتراف نمایند که برخلاف من رفتار کرده‌اند؛ و اینکه من نیز برخلاف ایشان رفتار کرده‌ام و آنان را به سرزمین دشمنانشان آورده‌ام؛ اگر آنگاه دل‌های نامختون ایشان فروتن گردد، و جزای گناه خویش را بپذیرند: آنگاه عهد خود را با یعقوب به یاد خواهم آورد، و نیز عهد خود را با اسحاق، و نیز عهد خود را با ابراهیم به یاد خواهم آورد؛ و آن سرزمین را به یاد خواهم آورد. لایوان 26:39-42.

پس از آن‌که موسی مجازاتی را که با «هفت زمان» مرتبط است و آن را «مخاصمهٔ عهد» خدا می‌نامد، بیان می‌کند، مشخص می‌سازد که قوم خدا اگر و هنگامی آگاه شوند که در سرزمین دشمن برده‌اند، چنان‌که دانیال بود، چه باید بکنند. آنان می‌بایست، همان‌گونه که دانیال نمایندگی کرد، به گناہان خود و نیز به گناہان پدران خویش اعتراف کنند.

كله چپ دا خان گړې دعا د هغو كسانو له خوا وړاندې شي چې د يو سل او څلور څلوېښت زرو په توگه بلل شوي دي، نو هغه فريښ ته چې د سرو زرو بخوردان لري، «بخوردان به واخلي، او» هغه به «د قربان كاه له اوره ډك كړي، او پر ځمكه به يې وغورځوي: او آوازونه، او تندرونه، او برېښ ناوې، او زلزله وشوه.» هغه سپېڅلی اور چې د «حقيقت» د پيغام استازيتوب كوي، د «اور» له جعلي پيغام سره په تضاد كې—هغه چې متحده ايالات او شيطان يې له اسمانه راكوزوي—د «زلزلې» په هغه ساعت كې واقع كېږي چې هماغه د يكشنبې قانون دی.

در کتاب زکریا به ما آگاهی داده می‌شود که زربّایل، در جریان تاریخ بازسازی معبد و اورشلیم پس از بازگشت از اسارتی که دانیال بخشی از آن بود، هم پی معبد را نهاد و هم سنگِ سر آن را گذاشت.

آنگاه او در پاسخ به من گفت: «این است کلام خداوند به زربّایل که می‌گوید: نه به قوّت و نه به قدرت، بلکه به روح من، خداوند لشکرها می‌گوید. ای کوه عظیم، تو کیستی؟ پیش روی زربّایل به هامون بدل خواهی شد؛ و او سنگِ سر آن را با فریادها بیرون خواهد آورد، در حالی که ندا می‌دهند: فیض بر آن باد.» و باز کلام خداوند بر من نازل شد که می‌گفت: «دست‌های زربّایل بنیاد این خانه را نهاده است؛ دست‌های او نیز آن را به انجام خواهد رسانید؛ و خواهی دانست که خداوند لشکرها مرا نزد شما فرستاده است. زیرا کیست که روز چیزهای کوچک را خوار شمرده باشد؟ زیرا ایشان شادمان خواهند شد، و شاقول را در دست زربّایل، همراه یا آن هفت، خواهند دید؛ آنها چشمان خداوندند که در تمامی زمین به هر سو در گردش‌اند.» زکریا ٤:٦-١٠.

زربابل به معنای «فرزند بابل» است و نمادی از پیام فرشته دوم می‌باشد؛ پیامی که چون با پیام فریاد نیمه شب درآمیخت، «بنیاد» را در جنبش آغازین ادونتیسیم نهاد. زربابل همچنین نمایانگر تکرار پیام فرشته دوم در جنبش پایانی ادونتیسیم، در نهضت Future for America، است؛ آنگاه که «سنگ سر» نهاده می‌شود.

دنیا بر آن دو شاهدهی که در وادی استخوان‌های مرده، در آن خیابانی که «ابرشاهراه اطلاعات» است، کشته شده بودند شادمانی کرد. هنگامی که آن دو شاهد دوباره به حیات بازگردانده شدند، دنیا ترسید و آسمان‌ها شادمانی کردند. زکریا، همچون همه انبیا، «ایام آخر» را مشخص می‌سازد؛ زمانی که قوم خدا شادی می‌کنند. زکریا به ما آگاه می‌سازد که ایشان در رستاخیز آن دو شاهد شادمانی می‌کنند، آنگاه که «آن هفت» را می‌بینند. «آن هفت» همان واژه عبری‌ای است که در لاویان بیست‌وشش به «هفت بار» ترجمه شده است. حرکت فرشته اول، سنگ بنیاد «هفت بار» موسی را نهاد، و آن «حقیقت» نیز، با وجود رد شدنش در ۱۸۶۳، باید سنگ سر بنای حرکت فرشته سوم باشد.

هنگامی که این امر شناخته شود و به انجام رسد، و با دعای مناسب دوگانه بر آن عمل شود، آتش حقیقی، چنان که در پنتیکاست بود، بر زمین افکنده خواهد شد.

ما در مقاله بعدی به بررسی گشوده شدن مهر هفتم ادامه خواهیم داد.